

# آثار الحق

جلد دوم

نور علی المظہی

سال یکم از رو سیصد و پنجاه و خورشیدی

## فهرست

الف	صفحة	پیشگفتار
۳		بخش اول
۱۹۵		بخش دوم
۵۴۳		ضمیمه : ۱- مناجات‌ها
۵۴۸		۲- مناجات منظومه حضرت علی (ع) به خط استاد
۵۵۵		۳- چند دستنویس از حضرت استاد
۵۶۱		۴- عکسها
۵۷۱		فهرست اعلام

## بسم الله الرحمن الرحيم

### گفتار ۱

در مکتب حقیقت، هیچ مذهبی<sup>۱</sup> فرق نمی‌کند. هیچ نژاد و رنگی مطرح نیست و فرقی هم بین اناث و ذکور نیست.

### گفتار ۲

سیرکمال از جماد به نبات، از نبات به حیوان و از حیوان به انسان یک سیر طبیعی است. انسان با کوششی که می‌کند می‌تواند روح خود را بالا ببرد و از ملائکه هم بالاتر رود تا ملائکه به او سجده کنند، چنانکه گفته‌اند «آدم اشرف مخلوقات» است. انسان دارای روح ملکوتی است ولی در جماد و نبات و حیوان، جوهر و آن خاصیت، ذاتی است. آنها دارای نفس ناطقه نیستند و نفس آماره هم با جسم از بین می‌رود، بنابراین نمی‌توانند دارای روح ملکوتی باشند. انسان چون دارای روح

---

۱- مذهبی که بر خلاف اصول عقاید مندرجه در صفحه ۳۰۶ برهان الحق نباشد. (نگارنده)

ملکوتی است، برای رسیدن به مبدأ باید خودش کوشش کند درحالی که جماد و نبات و حیوان، خود طبیعت کمک به سیر تکاملشان می کند.

### گفتار ۳

نطفه که بسته می شود، روحی برای آن نطفه انتخاب می گردد. وقتی طفل متولد می شود، بسیاری از اوقات روح دیگری هم که در برزخ است توسط مبدأ با روح این طفل اتصال داده می شود تا شانس رسیدن به تکامل را پیدا کند. البته این دو روح حسابشان جداست. روحهای برزخی آنقدر باید اتصال بگیرند تا سیر تکاملشان طی شود. گاهی می شود که چندین روح برزخی را با یک روح انسان اتصال می دهند.

### گفتار ۴

زنها در راه سیر سلوک با مردها هیچگونه تفاوتی ندارند. فقط زنها به مقتضای خلقتشان که ظریف است، خیلی زود تحت تأثیر واقع می شوند و روی این اصل کارشان از مردها دشوارتر است.

ممکن است زنی باشد که هزاران مرد به او بگروند و او برای آنها منشأ اثر معنوی باشد ولی همین شخص، اگر مرد بود فیضش دو برابر می گشت. زنها باید مراقب باشند تحت تأثیر واقع نشوند.

### گفتار ۵

در سلوک، افتادن و برخاستن بسیار است. همان طور که اگر شخص شیء نفیسی داشت خطر دزد زدنش بیشتر است، همان طور هم نسبت به پیشرفتی که سالک می کند خطر سقوط و دزدیدن ثروتش بیشتر می گردد.

### گفتار ۶

وضع دنیا از این بیشتر و بیشتر آشفته خواهد شد و این، مدت زیادی طول خواهد کشید بطوری که روزی خواهد آمد روحانی به معنای واقعی انگشت شمار گردد و آنگاه....

### گفتار ۷

عالم با عمل مانند کسی است که راه را با هواپیما طی کند. عامل بی علم مانند کسی

است که همان راه را با وسیله کندرو مانند چهارپا طی کند. عالم بی عمل بدتر از عامل بی علم است. چنانچه از هیچکدام نبود، حیوانی است که تازه بشر شده باشد.

### گفتار ۸

[سؤال شد وقتی با کسی آشنا می شویم، آیا او وسیله ای است برای ما یا ما وسیله ای هستیم برای او؟ استاد فرمود]:

موضوع بر سر قابل و قبول است. عکس ما همیشه بر روی دیوار مقابل می افتد منتها دیوار قابلیت و استعداد انعکاس آن را ندارد اما اگر آینه ای روی دیوار بگذارند عکس منعکس می شود. پس برای انعکاس عکس باید قابل و قبول وجود داشته باشد. مثلاً حضرت محمد [ص] و کسانی که اطراف ایشان بودند و بیعت کردند همین طورند. نمی شود گفت آن حضرت بخاطر مردم بوجود آمد و یا مردم بخاطر ایشان.

### گفتار ۹

چشم زدن، در مورد کسانی که نیروی معنوی ندارند یا کم دارند مؤثر است. اینچنین چیزها را نفوسی می گویند، برعکس چیزهایی که حدیثی خوانده می شوند و باید منشأ داشته باشند، مثل منشأ شیمیایی یا فیزیکی و غیره. برای امور نفوسی نمی توان منشأ پیدا کرد، مثل همین چشم زدن یا آب پاشیدن در شب. این چیزها چون توسط بزرگان معنوی دارای چنین اثراتی شده اند هنوز آن خاصیت را دارند.

### گفتار ۱۰

من ذکر خفی به کسی نمی دهم. سالک باید به پایه ای برسد که بتواند بوسیله تماس معنوی ذکر بگیرد.

### گفتار ۱۱

ناشکری گناه بزرگی است چون برای کسانی که در راه حق می روند هرچه روی دهد بجا و نیکوست. این چیزها یا مصلحت پروردگار است یا تنبیه، که در هر دو صورت برای ما درست است. زیرا وقتی تنبیه می کند می دانیم که از چشم او دور نیستیم و مانند بچه ای که مادر مهربان مواظب حرکاتش است، مراقبت می شویم.